



رنگ کتاب



حسام آبنوس

دبیر قفسه کتاب

۱۵ سال یک‌هزار و سیصد و نود و نه خورشیدی هم به آخر رسید و باید پرونده امسال، اعم از کرده و ناکرده را ببندیم و برای سال ۱۴۰۰ آماده شویم، سالی که تا همین چند وقت پیش فکر می‌کردیم آغاز قرن ۱۵ خورشیدی است ولی

متوجه شدیم سال بعد هم جزو قرن ۱۴ است و هنوز یک سال دیگر مهمان این قرن هستیم.

حالا وقت رسیدگی به حساب‌مان است و تجدیدنظری در برنامه‌هایی که می‌خواستیم انجام بدهیم و نتوانستیم و کارهایی که در برنامه‌مان نبود ولی خودشان را جا کردند و حتی بی‌نوبت جلو آمدند و در فهرست انجام شده‌ها قرار گرفتند. ماهم قریب به ۵۰ شماره در این سال جمع‌وجور کردیم و مطالب مختلفی نوشتیم و برایتان از کتاب‌ها حرف زدیم، در همین ویژه‌نامه هفتگی هم گاهی موضوعاتی بود که در برنامه‌مان نبود و یهویی وارد شدند و حتی موضوعاتی بود که می‌خواستیم درباره‌شان حرف بزنیم ولی فرصت نمی‌شد، مثلاً شماره ویژه فتودور داستایفسکی که همزمان می‌شد با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و جور در نمی‌آمد و برای همین گذاشتیم برای وقتی دیگر! در این ضمیمه از کتاب‌هایی حرف زدیم که می‌دانیم در این وضعیت اقتصادی گرانند و گاهی تهیه آنها از عهده جیب ما خارج است ولی خب آنها هم خودشان را هرطور شده تحمیل کردند به جیب‌مان و در قفسه کتابخانه‌مان نشستند.

کتاب‌هایی که هرکسی احتمالات تعدادی ناخوانده‌اش را دارد و می‌تواند در تعطیلات نوروز روی آنها حساب کند و ساعاتی را با آنها سپری کند. ماهم در این شماره (آخرین شماره سال ۹۹) پیشنهادهای مختلفی را از چهره‌های مختلف کنار هم قرار دادیم تا اگر کتاب خوانده نشده ندارید و دل‌تان می‌خواهد برای نوروز یکی دو کتاب تازه بخريد و بخوانید، سراغ این فهرست بروید.

حالا سال یک‌هزار و سیصد و نود و نه خورشیدی کارش تمام شده و باید پرونده‌اش را ببندیم ولی چقدر کتاب نصفه خوانده و نیمه‌کاره داریم که هنوز نشده پرونده‌شان را ببندیم و بهتر است در این نوروز کرونایی از فرصت خانه‌نشینی استفاده کنیم و کار آن‌ها را یکسره کنیم. کتاب‌هایی که به دلایل مختلف فرصت خوانده شدن و اتمام‌شان فراهم نشده و بهتر است در این تعطیلات گوشه‌چشمی هم به آنها داشته باشیم.

یکی دیگر از توصیه‌هایی که بد نیست گوشه‌ذهن‌تان داشته باشید این است که بسیاری از کتاب‌ها هست که یک‌بار خواندن آنها جوابگویشان نیست، از قرآن و نهج البلاغه که حسابشان سواست و هیچ‌وقت تکراری نمی‌شوند گرفته تا مثنوی و دیگر آثار موجود که هرکسی با توجه به سلیقه و علاقه‌اش می‌تواند در این تعطیلات پیش‌رو دوباره خوانی کند.

نوروز ۱۴۰۰ فرصتی است برای این که با کتاب‌ها دیدار تازه کنیم و اگر رابطه‌مان با آنها خوب نیست در این رابطه تجدیدنظر و پیوندی برقرار کنیم و رنگ تازه‌ای به زندگی‌مان بزنیم. ☺

ب بسم ا...

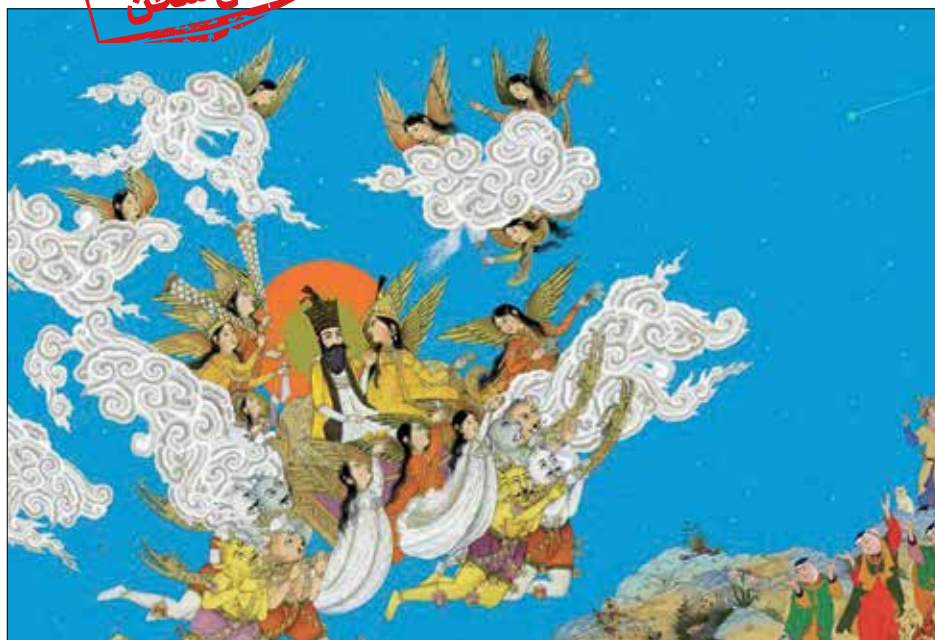
۲ قفسه کتاب

ضمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم
سه‌شنبه ۲۶ اسفند ۹۹ • شماره ۱۱۲

نگاهی به رسم نوروز در شاهنامه فردوسی

آیین ماندگار ایرانیان

شاخ سخن



☺ نوروز در شاهنامه از ابتدا تا انتهای آن (یعنی تازمان حمله اعراب به ایران)، توسط ایرانیان به صورت یک جشن ملی و در دوره ساسانیان به شکل یک آیین مذهبی گرمی داشته می‌شده است و با وجود این که بعد از حمله اعراب به ایران مدتی برگزار نشد، اما باز هم به دلیل اشتیاق ایرانیان به برپایی این آیین، تا روزگار ما باقی مانده است.

بیشتر کتاب‌های قدیمی پایه‌گذاری نوروز را به جمشید نسبت داده‌اند. از آنجایی که می‌دانیم فردوسی شاهنامه را بر اساس روایت‌های قدیمی کتب پهلوی و کتاب خدای‌نامه به نظم درآورده است، درمی‌یابیم که از سال‌های خیلی قدیم نوروز را به جمشید منتسب می‌کردند. در شاهنامه چنین آمده که:

به جمشید بر گوهر افشاندند / مرا آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرمز فرودین / برآسوده از رنج، تن، دل ز کین
بزرگان به شادی بیاراستند / می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار / بمانده از آن خسروان یادگار
اما اشاره به خود نوروز در چند جای شاهنامه اتفاق افتاده است که چند نمونه را با هم مرور می‌کنیم:

☺ در داستان بیژن و منیژه وقتی که خسرو از گئو می‌خواهد تا فروردین صبر کند که بتواند بیژن را با جام گیتی نما بیابد:

بمان تا بیاید مه فرودین / که بفروزد اندر جهان هور دین
بدان‌گه که برگل نشاندت باد / چو بر سر همی گل فشاندت باد
زمین چادر سبز در پوشدا / هوا بر گلان زار بخروشدا ☺☺☺

چون نوروز فرخ فراز آمدش / بدان جام روشن نیاز آمدش
☺ از زبان دارا به اسکندر درباره فرزندی که قرار است از او و روشنگر متولد شود:

بیاراید این آتش زرد هشت / بگیرد همان زند و استا به مشمت
نگه‌دارد این فال جشن سده / همان فر نوروز و آتشکده
کند تازه آیین لهراسپی / بماند کئی دین گشتاسپی

☺ به ایوان همی بود خسته جگر / ندید اندر آن سال روی پدر
مگر روز نوروز و جشن سده / که او پیش رفتی میان رده
☺ در دوران پادشاهی قباد، او بعد از فتحی یک آتشکده آنجا بنا می‌کند و آنها را به آیین زردشتی فرامی‌خواند:

☺ یکی مندیا و دگر فارقین / بیاموختشان زند و بنهاد دین
نهاد اندر آن مرز آتشکده / بزرگی به نوروز و جشن سده
☺ وقتی رستم برای بار اول اسفندیار را دید مجذوب چهره زیبای این شاهزاده پهلوان شد و یاد چهره دوست‌داشتنی سیلوش افتاد و در حقیقت دعا کرد:

☺ همه دشمنان از تو پر بیم باد / دل بدسگالان به دونیم باد
همه ساله وقت تو پیروز باد / شبان سیه بر تو نوروز باد
☺ بعد از پیروزی بهرام بر خاقان، قبل از آن‌که به آذربایندگان برود به بازسازی آتشکده و جای نوروز می‌پردازد:

☺ چو شد ساخته کار آتشکده / همان جای نوروز و جشن سده
بیامد سوی آذربایگان / خود و نامداران و آزادگان
☺ در داستان یکی از نبردهای خسرو پیروز آمده که:

☺ نگه کن که خسرو بدین کارزار / شود شاد اگر پیچد
از نوبهار
☺ گرایدون که گویی که پیروز نیست / از آن پس و رانیز نوروز نیست
☺ بهرام برای گزینش اسب آزموده‌آئی را انتخاب می‌کند که در نوروز با یاد یار باشد:

☺ بدو گفت بهرام کای نیک‌نام / به نیکیت بادا همه ساله کام
من اسب آن گزینم که اندر نشیب / بتازم نه بینم عنان از رکیب
چو با تگ چنان پایدارش کنم / به نوروز با باد یارش کنم
☺ خسرو پیروز در نامه‌ای به مرزبانان طوس بر ارزشمندی دو جشن مهرگان و سده تاکید می‌کند:

☺ دگر پیکرش افسر و چهرما / زمین بارور گشته از مهر ما
به نوروز و مهر آن هم آراسته / دو جشن بزرگ است و با خواسته
از نوروز در شاهنامه فراوان یاد شده که این موارد را به عنوان مثنی نمونه خروار مرور کردیم.